

نقدی بر فرهنگ اصطلاحات کمانگیر

معصومه بمانی نائینی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

- فرهنگ اصطلاحات کمانگیر
- تألیف دکتر ریچارد اسپیرز
- ترجمه جواد نامجو فرد،
- چاپ اول، انتشارات کمانگیر، نشر علمی فرهنگی آفیران، ۳۰۰۰ تومان

فرهنگ اصطلاحات کمانگیر ترجمه فرهنگ اصطلاحات NTC است که در سال ۱۹۸۷ به چاپ رسیده است. فرهنگ NTC، تألیف فرهنگ‌نویس مشهور آمریکایی دکتر ریچارد اسپیرز، از نظر نوع کار، فرهنگ منحصر به فردی است. تعاریف بسیار دقیق است، کاربرد کلمات از نظر سبکی (رسمی، محاوره‌ای و غیره) مشخص شده است، مثالهایی که در توضیح هر مدخل آمده بسیار گویاست، صورتهای مختلف هر اصطلاح ذکر شده است، فقط اصطلاحات روزمره و بسیار متداول گنجانیده شده و از همه مهمتر فهرست راهنمایی در آخر کتاب آمده (حدود ۱۰۰ صفحه) که به خواننده کمک می‌کند تا چنانچه تنها قسمتی از یک اصطلاح را به خاطر می‌آورد بتواند با استفاده از کلمات اصلی اصطلاح، به آسانی اصطلاح مورد نظر خود را پیدا کند. این کتاب در ایران اُفتست شده و در بازار موجود است.

مترجم فرهنگ اصطلاحات کمانگیر بجای تعاریف مدخل‌ها یا معادل آورده‌اند یا آنها را عیناً ترجمه کرده‌اند. جملات مثال ذیل هر مدخل را نیز ترجمه کرده‌اند. در اینجا ذکر نکته‌ای ضروری است و آن این که اصطلاحات در مقایسه با کلمات وابستگی بیشتری به فرهنگ دارند و بدیهی است هرچه اصطلاحی فرهنگ وابسته‌تر باشد ترجمه آن یا یافتن معادلی برای آن در زبان دیگر دشوارتر است. پس اگر گاه اصطلاحی یا جمله‌ای حاوی اصطلاح ترجمه‌ای رسا و مطلوب ندارد، این ممکن است به خاطر دشوار بودن کار معادل‌یابی باشد. البته زبان فارسی از نظر تنوع و کمیت اصطلاحات محاوره‌ای بسیار غنی است، ولی با توجه به جنبه‌های فرهنگی اصطلاح و نیز به دلیل آنکه هر اصطلاح در موقعیتی خاص به کار می‌رود، یافتن معادلهایی برای اصطلاحات که از جهات کاربردی کاملاً معادل باشند بسیار دشوار است. با توجه به این نکته، کسی که به ترجمه اصطلاحات می‌پردازد، باید اولاً با زبان اصطلاحی فارسی کاملاً آشنا و مانوس باشد و انبوهی از اصطلاحات روزمره در حافظه خود داشته باشد تا بتواند برای هر اصطلاح انگلیسی نزدیکترین معادل اصطلاحی آن را بیاورد. ثانیاً، از آنجاکه معنی اصطلاح از طریق ترجمه تعریف آن و نیز ترجمه جملات مثال توضیح داده می‌شود، پس ترجمه باید با دقت هر چه تمامتر صورت بگیرد. متأسفانه از ترجمه جملات مثال

و نیز برخی معادل‌های پیشنهادی مترجم معلوم می‌شود که ایشان با زبان محاوره انس لازم را ندارند و در ترجمه به روانی و دقت لازم دست نیافته‌اند. غالب جملات مثال با شلختگی و بی‌دقتی ترجمه شده و این ترجمه‌ها به هیچ‌وجه قدرت زبان فارسی در زمینه اصطلاحات را نشان نمی‌دهد. در اینجا با توجه به محدودیت جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنم.

بی توجهی به زمان جمله اصلی

What have you got in your bag of tricks that *could* help me with this problem?

چگونه این مهارت را کسب کردید که توانست در این مسأله به من کمک کند.
ترجمه پیشنهادی: چه کلکی بلدی که در حل این مشکل به من کمک کند.

ترجمه اصطلاح به اصطلاح نادرست

John is all *balled up* because his car was stolen.

جان وقتی فهمید اتومبیلش را دزدیده‌اند قاطی کرد.
ترجمه پیشنهادی: جان از اینکه اتومبیلش را دزدیده‌اند خیلی پکر است.

I knew that Bob wasn't asleep. He was just *playing possum*.

می‌دانم که باب به خواب نرفته است. او خود را به موش مردگی زده بود.
ترجمه پیشنهادی: می‌دانستم که باب خواب نبود بلکه خودش را به خواب زده بود.

ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح

You can always depend on John to speak his mind. He'll *let you know* what he really thinks.

شما می‌توانید با جان رک و راست صحبت کنید. او به شما اجازه خواهد داد که بفهمید چگونه فکر می‌کند.

ترجمه پیشنهادی: مطمئن باش جان همیشه حرف دلش را می‌زند. هرچه را که واقعاً در فکرش است به شما می‌گوید.

The package was handled carelessly, but the vase inside *arrived* in one piece.

آن بسته با بی توجهی جابجا شد، اما گلدان داخل آن سالم وارد شد.
ترجمه پیشنهادی: بسته را با بی دقتی جابه‌جا کردند اما گلدان داخل آن سالم مانده بود.

I would like to read War and Peace. Is it back in circulation or is it still checked out?

من دوست دارم کتاب جنگ و صلح را بخوانم. آیا در دسترس عموم هست یا خیر؟
ترجمه پیشنهادی: می‌خواستم کتاب جنگ و صلح را امانت بگیرم. کتاب را برگردانده‌اند یا هنوز دست کسی است؟

I might be able to find a better offer.

ممکن است پیشنهاد بهتری پیدا کنم.
ترجمه پیشنهادی: ممکن است کار بهتری به من پیشنهاد شود.

You must be more helpful around the house. مراقب اطراف منزل باشید.
ترجمه پیشنهادی: تو باید بیشتر در کارهای خانه کمک کنی.

ترجمه اصطلاح به غیراصطلاح

Uncle Bill, who is nearly eighty, married a thirty-year-old woman.
That is really *robbing the cradle*.

عمو بیل که تقریباً ۸۰ سال دارد با خانمی که ۳۰ سال داشت ازدواج کرد. او از عمو بیل خیلی جوانتر است.

ترجمه پیشنهادی: عمو بیل که تقریباً هشتاد ساله با خانمی سی ساله ازدواج کرده. واقعاً که سر پیری و معرکه گیری.

Stop *beating your gums*. I am not listening to you.

من به صحبت‌های شما گوش نخواهم داد. وقت تلف نکن.

ترجمه پیشنهادی: بیخودی چونه‌ات را خسته نکن. من که به حرف‌هات گوش نمی‌دم.

Why borrow money to pay your bills? That's just *robbing Peter to pay Paul*.

چرا برای پرداخت صورتحساب‌تان پول قرض می‌کنید؟ از کسی گرفتن و به دیگری پرداختن چه فایده‌ای دارد؟

ترجمه پیشنهادی: ... این کار مثل این است که کلاه تقی را برداری سر نقی بگذاری.

Do you like my new watch? Well, *eat your heart out*. It was the last one in the store.

آیا از ساعت جدید من خوشتان می‌آید؟ این آخرین ساعتی بود که در فروشگاه بود.

ترجمه پیشنهادی: از ساعت جدید من خوشت می‌آید؟ بسوز. از این نوع ساعت فقط همین یکی در فروشگاه مانده بود.

درک نادرست معنی جمله

Put yourself into someone else's place, and see how it feels.

از نقطه نظر دیگران استفاده کن و ببین او چه احساسی دارد.

ترجمه پیشنهادی: خودت را جای دیگری بگذار و ببین چطور / چه مزه‌ای داره.

Sally was laying on thick when she said that Tom was the best singer she had ever heard.

وقتی سالی گفت که تام بهترین خواننده بوده است مورد تشویق و تمجید قرار گرفت.

ترجمه پیشنهادی: سالی گفت که تام بهترین خواننده‌ای است که تا به حال دیده. تعریف و تمجید او

از تام کاملاً مبالغه آمیز بود.

There they were, sitting at the table, all eyes. The birthday cake was soon to be served.

آنها آنجا پشت میز نشسته‌اند و کاملاً مواظب هستند. به زودی کیک تولد توزیع می‌شود.
ترجمه پیشنهادی: دور میز نشسته و چهار چشمی منتظر بودند. قرار بود تا لحظه‌ای بعد کیک تولد را تقسیم کنند.

I hate it when I get the runaround.

وقتی مواجه با عذرخواهی می‌شوم، از او متنفر می‌شوم.
ترجمه پیشنهادی: دوست ندارم مراسم بدوانند.

ترجمه نکردن اصطلاح

John is like his father; a real chip off the old block.. جان شبیه پدرش است.

آشنا نبودن با کاربرد اصطلاحات فارسی

I don't make a lot of money, just enough to keep the wolf from the door.

پول زیادی به دست نمی‌آورم، فقط برای بخور و نمیری زندگی کردن کافی است.
ترجمه پیشنهادی: پول کمی که به دست می‌آورم در حد بخور و نمیره.

چنانکه از نمونه‌های فوق بر می‌آید، مترجم نه فقط در درک صحیح اصطلاح و یافتن معادل برای آن بلکه در ترجمه تعاریف و مثالها نیز ضعف دارد. موارد فوق مشتق است نمونه خروار. به جرأت می‌توان گفت که غالب جملات ترجمه شده نیاز به بازنویسی و اصلاح دارد و با توجه به اینکه هدف مثالها و ترجمه آنها آن است که به مشخص کردن معنی اصطلاح کمک کند، ترجمه‌های نارسای مترجم از دست‌یابی به چنین هدفی باز می‌ماند. از طرفی دیگر، چنانکه گفته شد توضیح معنی اصطلاح که در اصل کتاب به زبان انگلیسی آمده، در ترجمه حذف شده است. به عبارت دیگر، فرهنگ اصطلاحات NTC به دلیل دقیق بودن تعاریفش تحسین شده است حال آنکه این امتیاز در ترجمه از بین رفته و جای آن را تعاریف یا معادل‌هایی نارسا و بعضاً غلط گرفته است. اصولاً با توجه به دقیق بودن تعاریف انگلیسی و نیز مثالهای ساده و روشن اصل کتاب، این سؤال پیش می‌آید که آیا ترجمه مثالها ضروری بود؟ و آیا حذف تعاریف کار درستی بود؟ و آیا اخلاقاً درست است که مترجمی با چنین توانی سراغ ترجمه این کتاب برود؟